

داعش در آسیای مرکزی و قفقاز

پررنگ شدن نقش داعش در همسایه‌های شمالی ایران و همچنین جمهوری‌های آسیای مرکزی، حاکی از آن است که داعش و حامیان اصلی آن یعنی آمریکا و سعودی‌ها، راهبرد کلانی را برای ناامن‌سازی هرچه بیشتر مرزهای شمالی جمهوری اسلامی و همچنین محیط امنیتی روسیه در پیش گرفته‌اند، راهبردی که ریشه‌های آن به سال‌های دور باز می‌گردد.



آران نیوز- شکل‌گیری و گسترش خطرناک‌ترین شاخه‌های گروه‌های تروریستی نظیر داعش در برخی مناطق پیرامونی کشور بی‌شک تهدیدی برای مرزهای دو کشور روسیه و ایران است. تهدیداتی که با توجه به همکاری‌های دفاعی و نظامی و با توجه به شکست‌های اخیر گروه‌های تروریستی بویژه داعش در عراق و سوریه، بسیار جای تعمق و تأمل دارد. پررنگ شدن نقش داعش در همسایه‌های شمالی ایران و همچنین جمهوری‌های آسیای مرکزی، حاکی از آن است که داعش و حامیان اصلی آن یعنی آمریکا و سعودی‌ها، راهبرد کلانی را برای ناامن‌سازی هرچه بیشتر مرزهای شمالی جمهوری اسلامی و همچنین محیط امنیتی روسیه در پیش گرفته‌اند، راهبردی که ریشه‌های آن به سال‌های دور باز می‌گردد.

سیاست شیعه ستیزی داعش در اقصی نقاط جهان، بخشی از ساختارهای ایدئولوژیک این گروه تروریستی را تشکیل می‌دهد. لیکن تشکیل، تسلیح، تقویت و تجهیز همه جانبه این گروه تروریستی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای غربی، شرقی و حتی شمالی کشور با هدف نفوذ به ایران اسلامی برای انجام اقدامات تروریستی و خرابکارانه در داخل و ناامن کردن کشورمان در عرصه‌های ملی و فراملی، پروژه‌ای است که در واقع رویکرد اهداف سیاست خارجی برخی دولت‌های غربی، عبری و عربی را به تصویر می‌کشد.

الف) آسیای مرکزی

آسیای مرکزی و قفقاز همانند دیگر مناطق آسیا در هفته‌ها و ماه‌های اخیر شاهد تحرکاتی از سوی برخی حامیان و گروه‌های افراطی وابسته به تروریست‌های داعش بوده است. سطح پایین آگاهی بخش‌هایی از جامعه این منطقه و سرمایه‌گذاری داعش به کمک برخی کشورهای فرامنطقه‌ای در این حوزه، سیاست‌های این گروه در سازماندهی و تشکیل شاخه‌های خود را در آنجا هموار کرده است.

برخی رسانه‌های خارجی از اختصاص ۷۰ میلیون دلار برای انجام این سیاست‌ها در آسیای مرکزی توسط حامیان داعش سخن به میان می‌آورند؛ سیاستی که با توجه به اقتصاد ضعیف و شکننده برخی کشورهای این حوزه و وابستگی بیش از ۴۰ درصدی درآمد ناخالص ملی آنها به ارزآوری کارگران شاغل در روسیه و پایین آمدن این درآمدها به واسطه تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه توسط اروپا و آمریکا، می‌تواند تأثیر فراوانی بر رشد افراط‌گرایی و پیوستن به گروه تروریستی داعش در آسیای مرکزی بگذارد. گفتنی است آسیای مرکزی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همچنان خلأ قدرتی را تجربه می‌کند که یکی از نتایج آن وجود بسترهای لازم برای تروریست‌پروری است.

ازبکستان

ریشه‌های افراط‌گرایی مذهبی در آسیای مرکزی در دوران معاصر به دهه پنجاه قرن بیستم میلادی و تحت تأثیر «محمد هندوستانی رستموف» ملقب به «حاجی داملا» یکی از چهره‌های دینی بسیار تأثیرگذار و غیر رسمی در آسیای مرکزی باز می‌گردد. وی در خوقند در دره فرغانه و در سال 1892 متولد شد. او در بخارا، افغانستان و هند تحصیل نمود و سپس در سال 1929 به ازبکستان بازگشت و در همان سال به اتهام تبلیغ فرقه سلفیه دستگیر شد و به مدت 15 سال در سبیری زندانی بود. نامبرده در سال 1947 به شهر دوشنبه نقل مکان کرد و در موسسه مطالعات شرقی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان مشغول به کار شد و سرانجام در سال 1989 در شهر دوشنبه درگذشت. در سال 1970 میلادی برخی از پیروان وی به فرقه وهابیت پیوستند. ربع قرن پس از مرگ وی همچنان از نوارهای سخنرانی او برای تبلیغ وهابیت استفاده می‌شود. هم‌اکنون گروه‌های مختلفی از پیروان این فرقه در آسیای مرکزی فعال هستند. رویارویی آشکار بین علمای سنتی حنفی‌مذهب در منطقه با مبلغان سلفی از سال 2000 با افزایش تحرکات مبلغان سلفی آموزش‌دیده در دانشگاه فیصل پاکستان که از سوی عربستان سعودی تغذیه می‌شدند؛ آغاز شد. هر پنج کشور آسیای مرکزی فعالیت مبلغان این فرقه را ممنوع اعلام کرده و گرایش‌های سلفی را جرم اعلام کرده‌اند. با این وجود نحوه برخورد هر یک از آن‌ها و همچنین نوع تهدیدی که در این زمینه وجود دارد برای هر یک متفاوت است.

تاجیکستان

از آن جهت که کشور تاجیکستان دروازه‌ی ورود به منطقه‌ی آسیای مرکزی به حساب می‌آید، همواره مورد توجه و رقابت بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار داشته و دارد. تلاش کشورهای غربی و دلارهای سعودی‌ها برای به اصطلاح صلح در تاجیکستان موید این مطلب است. ایران و تاجیکستان از زمان‌های دور با یکدیگر روابط تاریخی و فرهنگی و قرابت زبانی داشته‌اند، لذا جمهوری اسلامی ایران، پس از اعلام استقلال تاجیکستان در سال 1991 میلادی، اولین کشوری بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و پس از آن دو کشور علاوه بر روابط تاریخی و فرهنگی، روابط دیپلماتیک با یکدیگر برقرار کردند. قرابت‌های تاریخی، تمدنی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان سبب شده که عربستان سعودی در رقابت با ایران از یک سو به ترویج اسلام وهابی- سلفی بپردازد و از سوی دیگر تلاش کند توجه دولت این کشور را به توسعه‌ی روابط با خود سوق دهد. در این راستا گفتنی است در چند سال اخیر نیز مقامات و مبلغان مذهبی عربستان با هدف مقابله با نفوذ ایران در این کشور و گسترش وهابیت، اقدامات مختلفی را صورت داده و اقدام به جذب مبلغان مذهبی در سراسر تاجیکستان کرده تا تبلیغات فرقه وهابیت را در تاجیکستان گسترش دهند. حضور شهروندان آسیای مرکزی از جمله اتباع تاجیکی در سازمان‌های تروریستی داعش و النصره و دیگر گروه‌های افراطی، نمونه‌ای از فعالیت‌های دینی عربستان در تاجیکستان بوده است.

در کشور تاجیکستان در کنار گروه‌های وابسته به اسلام سنتی و عرفی که قرائت‌های معتدلی از اسلام دارند، گروه‌های تندرو و رادیکالی وجود دارند که تحت تأثیر جریان‌های اسلامی جهان عرب و بویژه کشورهایی نظیر عربستان سعودی بوجود آمده‌اند، و عمدتاً تحت تأثیر تلاش‌های عناصر خارجی قرار دارند. از جمله مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به جریان‌هایی اشاره کرد که از اوایل دهه‌ی 1990، در دره‌ی فرغانه پدیدار شدند و رشد و نمو یافتند که از نظر ایدئولوژیک این گروه‌های افراطی در پی تشکیل خلافت جهانی بوده و با شیعیان دشمنی دارند و هدف اصلی این گروه‌های افراطی، عمدتاً جذب حمایت جوانان بی‌سواد و زنان و مردان بیکار بوده که تاحدودی توانسته‌اند توجه گروه‌های ناراضی گسترده‌تری را نیز جلب نمایند. همچنین اکثر این گروه‌ها ارتباطات نزدیکی با وهابی‌ها و سلفی‌ها دارند و در زمره‌ی حامیان طالبان و

القاعده در افغانستان محسوب می‌شوند.

پس از آغاز بحران سوریه، ابعاد جدیدتری از گسترش افکار سلفی- وهابی در تاجیکستان ظهور پیدا کرد و پرچم گروه‌های تندرو و تروریستی نظیر داعش و جبهه النصره در برخی از مناطق تاجیکستان برافراشته شد، و از سوی دیگر تعداد زیادی از اتباع این کشور برای مبارزه علیه دولت‌های سوریه و عراق به صفوف تروریست‌ها پیوستند. این مسئله که از نفوذ عمیق افکار سلفی- وهابی در تاجیکستان حکایت دارد، موجب نگرانی‌هایی نزد مقامات دولتی این کشور شده است. چرا که پیوند و ارتباط مستقیم میان جریان‌های افراطی تاجیکستان با مراکز سلفی- وهابی و حضور آن‌ها در میدان نبرد سوریه می‌تواند به افزایش نفوذ حامیان بین‌المللی تروریسم در این کشور منجر گردد.

تاجیکستان تا زمان فعالیت حزب نهضت اسلامی با وجود ممنوعیت قانونی فعالیت سلفی‌ها، سرکردگان آن‌ها را آزاد گذارد تا با انتشار مقالات و ایراد سخنرانی حزب میانه‌روی نهضت اسلامی را آماج حملات و اتهامات قرار دهند و در تخطئه و تخریب این حزب مخالف دولت تاجیکستان به ایفای نقش موثر در چارچوب اهداف این دولت بپردازند. اما در دیگر کشورها نوع گروه‌های افراطی و گرایش‌ها و نحوه رفتار آن‌ها تعیین‌کننده اقدامات حکومت‌ها است.

گفتنی است دیمیتری ورختوروف (Dmitry Verkhoturov) شرق شناس و تحلیلگر روس ورود جنگجویان گروه تروریستی داعش از افغانستان به تاجیکستان را بعید می‌داند. به باور وی تاجیکستان ارتش منظم و قدرتمندی دارد و مرزهای آن از سوی سازمان پیمان امنیت جمعی تقویت می‌شود. البته نیکلای باردیوژا دبیر کل سازمان پیمان امنیت جمعی در این باره تأکید دارد که برای جلوگیری از نفوذ داعش به آسیای مرکزی باید در تاجیکستان تا 15 هزار سرباز روس مستقر شوند. موضوعی قدرت‌های فرا منطقه‌ای را نگران کرده و در نهایت به روند جدید تاجیکستان به نفع محور غربی- عربی- عبری در ورطه کنونی رسید.

ترکمنستان

از پنج استان ترکمنستان دو استان مهم استان «آخال» و «مرو» هم مرز با افغانستان است. در همین راستا موقعیت مهم ژئوپولیتیک افغانستان و تجربه سه دهه بحران‌هایی گوناگون افغانستان موضوع احتمال نفوذ جریان داعش از افغانستان به ترکمنستان و ایجاد ناامنی در این کشور توجه بیشتر داعش را به سوی افغانستان جلب کرده است. گفته می‌شود ۳۵۰۰ حدود شبه نظامی داعش نیز در این کشور حضور دارند. گذشته از این نیز باید توجه داشت که داعش، منطقه شمال افغانستان را به عنوان پایگاه جهت گسترش حضور خود در آسیای مرکزی قلمداد می‌نماید و در برخی از نقاط مرزی افغانستان- ترکمنستان محل حضور شبه نظامیانی تحت عنوان داعش است که در میان آنان مزدوران خارجی و اتباع آسیای مرکزی چون ترکمنستان نیز دیده شده است. یعنی عملاً استان‌های قندوز، بغلان، سرپل، فاریاب و جوزجان افغانستان به محل تجمع تروریست‌های وارداتی بدل شده و بارها بین نیروهای مرزبانی ترکمن و شبه‌نظامیان این مناطق درگیری رخ داده است. در همین راستا بنا به نظر برخی منابع در مرز ترکمنستان حدود دو هزار شبه نظامی وابسته به داعش حضور دارند و می‌توانند به ترکمنستان نفوذ کنند.

پیشنهاد روسیه برای افزایش امنیت مرزهای ترکمنستان با افغانستان در کنار سفر هیئت عالی‌رتبه سیاسی- اقتصادی آمریکا به ترکمنستان، طرح جامع همکاری در سال ۲۰۱۶ میان واشنگتن-عشق‌آباد و فعال‌سازی روابط دوجانبه میان عشق‌آباد واشنگتن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و تلاش‌هایی برای راضی کردن ترکمنستان برای واگذاری پایگاه نظامی در شرق ترکمنستان همه و همه نشان از افزایش تهدید داعش برای ترکمنستان دارد.

«دیمیتری ورختوروف» تحلیلگر مرکز آموزش‌های افغانستان معاصر بر این باور است که اگر داعش تصمیم به ورود به آسیای مرکزی را داشته باشد از مرز ترکمنستان وارد می‌شود. وی تأکید می‌کند که ترکمنستان به عنوان کشوری بی‌طرف، ارتش نیرومندی ندارد و مرز افغانستان و ترکمنستان برای ورود جنگجویان داعش به آسیای مرکزی مناسب‌تر است، از این رو این منطقه مرزی باید تقویت شود.

« ورختوروف» احتمال ورود داعش به آسیای مرکزی از طریق تاجیکستان و ازبکستان را رد کرده و معتقد است که داعش می‌تواند از طریق ترکمنستان به قزاقستان حمله کند و این برای روسیه خطر بزرگی است.

در مقابل، برخی از تحلیل‌گران احتمال حضور و نفوذ گسترده داعش در ترکمنستان را ناشی از تعمیم و یکسان‌پنداری ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی این کشور با سایر کشورهای آسیای مرکزی من جمله تاجیکستان و ازبکستان و پس از آن، مبتنی بر فعالیت‌ها، فضا سازی‌ها و تحرکات رسانه‌ای که در جهت منافع و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این کشورها و برخی قدرت‌های بین‌المللی پی‌ریزی شده است، ارزیابی می‌کنند. از این منظر ترکمنستان، به رغم اشتراک با سایر کشورهای آسیای مرکزی در میراث داری پیامدهای برنامه ریزی‌های متمرکز دوران اتحاد شوروی، در عمل، با کشورهایی همچون تاجیکستان و ازبکستان بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌های منحصر به فرد قومی- قبیله‌ای، فرهنگ سیاسی، حیات دینی، موقعیت ژئوپلیتیکی و ویژگی‌های متفاوت فرآیند دولت‌سازی در این سرزمین است.

قرقیزستان

جمهوری قرقیزستان، در شمال شرق آسیای مرکزی در ناحیه تیان‌شان قرار دارد و بیش از 70 درصد جمعیت حدود 6 میلیون نفری این کشور، مسلمان هستند که البته تقریباً 30 درصد این افراد تمام اصول دین را رعایت می‌کنند و می‌توان پیش‌بینی کرد که 5 یا 10 سال دیگر این تعداد به 70 درصد خواهد رسید. «قادر ملکاف» رئیس مرکز پژوهشی «سیاست، حقوق و دین» و کارشناس مسائل مذهبی قرقیزستان با تأکید بر آمار مسلمانان در این کشور بر این باور است که «توسعه اسلام در قرقیزستان به این معنا نیست که مسلمانان نظام موجود را خراب کرده و بر روی خرابه‌های آن، کشوری اسلامی بسازند بلکه مسلمانان این کشور به قلمرو، دولت و دیگر بخش‌ها احترام می‌گذارند و در مقابل اصلاح برخی قوانین برای احترام به مسلمانان نیز ضروری می‌نماید.» این در حالی است که «الکسی پادبرزکین»، احتمال حضور گروه تروریستی داعش در منطقه آسیای مرکزی، از جمله تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان را بسیار بالا ارزیابی می‌کند.

حدود یکسال پیش خبرگزاری «وچرنی بیشکک»، اذعان داشت که گروه تروریستی داعش در قرقیزستان به تبلیغ و انتشار آگهی استخدام پرداخته است. گفته می‌شود که روزنامه نگاران این منطقه در سایت بسیار پرطرفدار «ادناکلاسنیکی» در بخش "خرید و فروش در بیشکک" این سایت، چندین آگهی استخدام مشابه یافته‌اند که در یکی از این آگهی‌ها از دختران جوان برای کار در منزل دعوت شده و دستمزد هزار دلاری نیز پیشنهاد شده بود. شایان ذکر است که در عکس پروفایل این تبلیغ، افراد نظامی زیر پرچم سیاه گروه داعش به چشم می‌خورد. مقامات امنیتی قرقیزستان می‌گویند: دستکم 600 شهروند این کشور به جمع گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق پیوسته‌اند.

قزاقستان

از جمعیت بیش از 16 میلیون نفری قزاقستان، حدود 70 درصد مسلمان هستند. دولت این کشور به دلیل نگرانی از افزایش خطرات ناشی از گروه‌های افراط‌گرا، تدابیری را در زمینه جلوگیری از این تهدیدها از طریق تدوین و تصویب قوانین اتخاذ کرده است.

قانون فعالیت‌های دینی توسط "نورسلطان نظربایف" رئیس جمهوری این کشور مطرح شد که بر اساس آن محدودیت‌هایی برای انجام فعالیت‌های دینی و مذهبی در نظر گرفته شده است. اما برخی از سازمان‌های مذهبی قزاقستان و افرادی به نمایندگی از گروه «جندالخلیفه» با صدور بیانیه‌ای، تصویب و اجرای این قانون را مغایر آزادی‌های دینی دانسته و اعلام کردند. نکته قابل توجه این که بیانیه اعتراض آمیز این گروه در کنار تصویر چهار فرد مسلح به سلاح‌های خودکار با پس زمینه پرچم سیاه که سر و صورت خود را کاملاً پوشانده بودند، در پایگاه خبری SITE Intelligence که دفتر مرکزی آن در آمریکا است، منتشر شده بود.

این گروه که تا به حال در قلمرو آسیای مرکزی ناشناخته بوده، از اولین متعرضان خارجی به قانون جدید فعالیت‌های دینی و مذهبی در قزاقستان محسوب می‌شود که با این بیانیه

اعتراض‌آمیز موجودیت خود را اعلام کرد.

«جندالخلیفه» یا «سربازان خلیفه» در اصل توسط افرادی از نژاد قزاق که در افغانستان ساکن بودند ایجاد شده و گزارش‌ها حاکی از آن است که این گروه با القاعده در ارتباط است. مقامات قزاقستان، پس از آنکه، این گروه مسئولیت بمب‌گذاری در خارج از دفاتر شهرداری و دادستانی آتیرائو در اکتبر 2011 را پذیرفت، جندالخلیفه را غیرقانونی اعلام کردند.

ب) قفقاز و قفقاز شمالی

گروه تروریستی داعش در ادامه تلاش برای حضور و گسترش حوزه و دامنه فعالیت‌های خود به دیگر مناطق آسیا و همچنین منطقه قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و قفقاز شمالی (روسیه)، اقدام به ایجاد شاخه‌هایی از گروه تروریستی خود با تبلیغات گسترده رسانه‌ای در فضای مجازی به همراه تطمیع عناصری از دیگر گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده برای پیوستن به خود کرده است، سیاستی که به دلایل فراوان از حمایت و پشتیبانی برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیز برخوردار است. این سیاست البته با تشکیل شاخه داعش در افغانستان و پاکستان کماکان بخشی از سیاست‌های این گروه تروریستی و حامیان آن در منطقه است. این وضعیت برای همپیمان قدرتمند ایران یعنی روسیه نیز به شکل تهدیدات هدفمند داعش در حیات خلوت این کشور (آسیای مرکزی)، قفقاز و مهمتر از همه در قفقاز شمالی یعنی برخی جمهوری‌های خودمختار مسلمان در جنوب روسیه از جمله چچن، اینگوشتیا، داغستان و همینطور منطقه کاباردینو بالکاریا به دلیل مجاورت با دیگر مناطق مورد تهدید، بوجود آمده است. رشد افکار وهابیت نشأت گرفته و سرایت شده از کشور عربستان سعودی با حمایت‌های ترکیه به کشورهای حوزه قفقاز شکل‌گیری گروه‌های افراطی و طرفدار داعش را در آنجا به همراه آورده است.

گروه‌های افراطی این منطقه قبل از آن در قفقاز شمالی (روسیه) با تشکیل امارت قفقاز، با گروه تروریستی القاعده همکاری می‌کردند که به دنبال همپیمان شدن بخش‌های عمده‌ای از این گروه‌ها با ابوبکرالبغدادی در سال ۲۰۱۵، فعالیت امارت قفقاز تحت لوای داعش شروع و در ادامه، «ابو محمد کادارسکی» از طرف ابوبکر البغدادی به عنوان حاکم جدید داعش در ولایت قفقاز منصوب شد.

جمهوری آذربایجان

در این میان کشور ۱۰ میلیونی جمهوری آذربایجان با جمعیت قاطع مسلمان و ۸۵ درصد شیعه و ۱۵ درصد سنی، به کانونی برای جذب نیرو و ترویج وهابیت افراطی به همراه گسیل صدها نفر از آنها به سوریه و عراق برای جنگ در کنار داعش، تبدیل شد. «عبدالواحد خضیر احمد»، مسئول امنیت عمومی داعش در دیدار با آذربایجانی‌های عضو داعش در سوریه، همواره اقدام به تحریک آنان علیه آنچه رافضی خوانده، کرده است. داعش همچنین علی‌خان موسی‌اف را به عنوان سرکرده این گروه در جمهوری آذربایجان معرفی کرده است. این شخص در مدارس دینی وهابیت باکو که توسط عربستان سعودی تأسیس شده، تحصیل کرده است. تلاش‌های او برای عضوگیری از بین تندروهای جمهوری آذربایجان و اعزام آنها به سوریه، نقش مهمی در تقویت و گسترش این گروه تروریستی در قفقاز داشته است.

بازداشت دهها نفر از آنها در هفته‌ها و ماه‌های اخیر به اتهام تلاش برای پیوستن به داعش در سوریه از طریق خاک ترکیه، به همراه حضور و همکاری صدها نفر دیگر از اتباع این کشور در مناطق درگیری داعش، نگرانی باکو را از بازگشت آنها و انجام اقدامات خرابکارانه در این کشور به همراه آورده است؛ نگرانی که می‌توان بخشی از آنرا در بازگشت روزهای اخیر صدها تن از اعضای آذربایجانی داعش از سوریه به منطقه مورد مناقشه قره باغ، همزمان با آغاز موج جدید درگیری‌های دو کشور آذربایجان و ارمنستان، به وضوح مشاهده کرد، رویکردی که رئیس‌جمهوری روسیه از آن به عنوان تهدید وهابیت آذربایجان و ارتباط آن با آمریکا سخن گفته است. داعش به منابع عمده نفتی جمهوری آذربایجان هم چشم طمع دوخته، منابعی که همواره وسوسه گروه تروریستی داعش را برای حضور در آن مناطق به دنبال داشته است.

گرجستان

گرجستان نیز از جمله کشورهایی است که زمزمه‌هایی از فعالیت گروه‌های تندرو در قالب داعش در آنجا شنیده می‌شود. سیاست‌ها و ایجاد محدودیت‌های مذهبی در دوران میخائیل ساکاشویلی، رئیس‌جمهوری پیشین گرجستان به یکی از عوامل رشد افراط‌گرایی در این کشور تبدیل شده است.

هم‌اکنون نیز ممانعت دولت گرجستان از فعالیت سازمان‌های اسلامی در منطقه «بورچالی» این کشور، زمینه ساز رشد افراط‌گرایی در این منطقه و پیوستن تندروهای فراوانی به داعش شده است. احداث برخی مساجد منتسب به گروه تروریستی داعش در بورچالی و منطقه پانکیسی این کشور، از وجود حامیان داعش در گرجستان حکایت دارد. علاوه بر آن برخی منابع گرجستانی از وجود صدها تبعه این کشور در صفوف داعش در سوریه و عراق خبر می‌دهند. داعش همچنین به ابزاری برای گرجستان برای تهدید منافع روسیه تبدیل شده است.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه از آموزش نظامی اعضای داعش توسط گرجستان برای تهدید منافع روسیه سخن به میان آورده است، رویکردهای خصمانه‌ای که پیشتر و در دوران ساکاشویلی نیز، با اعزام نیروهایی از گرجستان به اوکراین برای جنگ در کنار ارتش آن کشور علیه روسیه، وجود داشته است. این اقدامات و سیاست‌ها البته همواره از حمایت‌های غرب و بخصوص آمریکا بهره‌مند بوده است.

نقش ایالات متحده و غرب در موفقیت انقلاب مخملی گرجستان و به دنبال آن سیاست‌های ایالات متحده در ترغیب ساکاشویلی به تهدید منافع روسیه بخصوص با حمله به روس تبارهای اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ که واکنش سخت و غیرمنتظره مسکو را به دنبال داشت، نشان از ادامه سیاست‌های راهبردی آمریکا و همپیمانان این کشور علیه منافع روسیه دارد.

قفقاز شمالی (روسیه)

کشور بزرگ روسیه با ۱۴۳ میلیون نفر جمعیت و داشتن ۲۸ میلیون مسلمان عمدتاً سنی، در دهه‌ها و سال‌ها و حتی ماه‌های اخیر، شاهد شکل‌گیری برخی گروه‌های تندرو و افراطی در مناطقی از جنوب این کشور و تهدیدات امنیتی و تجزیه‌طلبانه علیه خود بوده است. مناطق جنوبی روسیه (قفقاز) شامل جمهوری‌های مسلمان‌نشین چچن، اینگوشتیا و داغستان به همراه منطقه کاباردینوبالکاریا، همواره تحت تأثیر فعالیت‌های مسلمانان افراطی وابسته به القاعده در قالب امارت قفقاز به سرکردگی ابو محمد داغستانی بوده است. این فعالیت‌ها علاوه بر نقش مذهب و ایدئولوژی افراطی آنان، همواره خواسته‌های سیاسی و تلاش برای استقلال و تجزیه‌طلبی این مناطق از روسیه را نیز به همراه داشته است. تظاهرات و ناآرامی‌های دی ماه ۹۴ به همراه تیراندازی‌های مرگبار در یک مرکز گردشگری در جمهوری داغستان که به کشته و مجروح شدن ۱۱ نفر انجامید، از جمله اقدامات گروه‌های افراطی و تروریست در منطقه قفقاز روسیه به‌شمار می‌رود که البته مسئولیت آن را داعش بر عهده گرفته بود.

با آغاز ناآرامی‌های سوریه و عراق و سپس شکل‌گیری گروه تروریستی داعش، گروه‌های فراوانی از تندروهای افراطی این منطقه که عمدتاً در قالب گروه تروریستی القاعده فعالیت می‌کردند، ضمن هم‌پیمانی با ابوبکر البغدادی، جذب گروه داعش شدند. این گروه‌ها علاوه بر اعزام و مشارکت در جنگ سوریه، شاخه داعش در قفقاز شمالی به سرکردگی "ابوعمر

چینی" را نیز تاسیس کردند.

شهرت رسانه‌ای این شخص در جذب نیروهای بیشتر از امارت قفقاز و پیوستن آنها به داعش، بسیار موثر بوده است. داعش همچنین با توجه به عملکرد تبلیغی و رسانه‌ای حرفه‌ای با بهره‌گیری وسیع و گسترده از شبکه‌های اجتماعی به همراه جایگاه نظامی بالا و تکیه بر لجستیک قوی نسبت به سایر گروه‌های تروریستی و شبه نظامی، توانسته است حضور عناصر کلیدی قفقازی را برای سطوح بالای سازمانی خود، به همراه آورد.

علاوه بر آن عدم توانایی القاعده و ابو محمد داغستانی، رهبری امارت قفقاز در عملی کردن تهدیدات خود علیه روسیه و بخصوص بازبهای زمستانی ۲۰۱۴ سوچی روسیه نیز، به کاتالیزوری برای جدایی گروه‌هایی از القاعده و پیوستن آنها به داعش تبدیل شد؛ تهدیداتی که قبل از آن نیز توسط بندر بن سلطان، رئیس سابق دستگاه جاسوسی آل سعود در دیدار با ولادیمیر پوتین به نحوی گستاخانه مطرح شده بود و نشان از هدفمند بودن شکل‌گیری القاعده و داعش در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برای تهدید منافع روسیه با حمایت‌های آل سعود و آمریکا دارد.

اما واقعیت امر این است که اشراف اطلاعاتی و امنیتی بالای روسیه در منطقه قفقاز شمالی در سالها و ماه‌های اخیر، تکاپوهای امارت قفقاز و ولایت قفقاز شمالی وابسته به گروه‌های تروریستی القاعده و داعش را در تحقق اهداف خرابکارانه و جدایی‌طلبانه خود، بیش از پیش از دسترس دور ساخته است. به همین دلیل بسیاری از شبه نظامیان وابسته به این گروه‌ها در منطقه، حضور در جبهه‌های داعش در سوریه را عرصه مناسب‌تری برای همکاری با دشمنان روسیه می‌بینند.

در ادامه این رویکرد، گروه‌های فراوانی از آنها به داعش در سوریه پیوستند. محمد داود اف، رئیس نهاد ریاست جمهوری چین از وجود ۳۰۰۰ نیروی شبه نظامی چینی داعشی در سوریه در سال ۲۰۱۵ خبر داده است.

علاوه بر آنها، گروه موسوم به "جیش مهاجرین و انصار" نیز از جمله گروه‌های قفقازی و چینی افراطی وابسته به القاعده در سوریه است که در تابستان ۹۲، تکاپوهای آنان در صف تروریست‌های سوریه توسط پایگاه اینترنتی امارت خود خوانده قفقاز، انعکاس پیدا کرد. چشم انداز نفوذ داعش در قفقاز و چین میوه‌ای که القاعده با بذر وهابیت در این منطقه کاشته، برای مسکو بسیار نگران کننده است تا جایی که مسئولان محلی چین، باز نگشتن جنگجویان چینی عضو داعش از سوریه را آرزو می‌کنند.

اهداف راهبردی آمریکا در منطقه

تضعیف و ناام کردن آسیای مرکزی و قفقاز با توسل به جریان‌های افراط‌گرا و تکفیری - سلفی در واقع از گستره وسیع راهبردهای آمریکا و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور نشأت می‌گیرد. راهبردی که از اولویت‌های آن محدود کرد سه ضلع مثلث ایران، روسیه و چین است و داعش و گروه‌های افراطی در ورطه کنونی تنها گزینه‌ای است که به باور تصمیم‌سازان آن کارایی لازم را برای تحقق اهداف آنان دارد.

1) ناام کردن مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران، سیاستی که قبل از آن در مرزهای شرقی و غربی و حتی جنوبی ایران نیز در پیش گرفته است. حال با توجه به شکست آمریکا در غرب کشور (شکست داعش در عراق و موصل) و همچنین شکست طرح ناتوی عربی با خروج قطر از آن، آمریکا و متحدانش بیش از پیش در تلاش خواهند بود که به مرزهای شمالی نفوذ کنند.

2) به حاشیه راندن روسیه از حیاط خلوت خود، روس‌ها براین باورند که حضور اتباع آسیای مرکزی در ترکیب داعش و فعالیت در مناطق شمالی افغانستان می‌تواند به منظور تحقق اهداف ژئوپلیتیکی آمریکا در آسیای مرکزی و مجاورت مرزهای جنوبی روسیه از طریق دهلیز افغانستان را فراهم کند.

3) تهدید علیه چین با ناام کردن استان سین کیانگ، برای مشغول کردن این قدرت بزرگ منطقه‌ای به مسائل و چالش‌های داخلی با هدف ممانعت از نفوذ چین به شبه قاره با راه اندازی کریدور اقتصادی با برخی کشورها از جمله پاکستان گفتنی است که آمریکا در تلاش است تا با کمک متحدین منطقه‌ای خود بویژه دو کشور عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی این "تحدید" را به ثمر برساند.

به هر تقدیر یادآوری این مطلب ضروری است که گروه تروریستی داعش که در ابتدای جولان خود، قصد راه اندازی خلافت در عراق و شام و سپس در سراسر جهان را داشت، با شکست‌ها و ناکامی‌های پی در پی، با چالشی جدید روبرو شده است، چالشی که منبعث از ناکامی در راهبرد سازندگان آنان است چرا که جریان تکفیری سلفی شکست سختی در عراق متحمل شد و موصل را که زمانی پایگاه خلافت خودخوانده، می‌دانست از دست داد و در سوریه نیز همواره و علی‌رغم حمایت‌های بی‌دریغ سه محور غربی، عبری، عربی پس زده می‌شود.

هر چند تحلیل جریان‌های افراطی و سلفی‌گری در اسلام به ظاهر آسان است، ولی نگاهی عمیق‌تر به نحوه تشکیل و رشد آن، نشان از برنامه‌ریزی و هدایت کاملاً آگاهانه دارد؛ جریان‌هایی که امروزه حتی حامیان آنها نیز از شرارت‌های آنان در امان نبوده و نخواهند بود.

اهداف و انگیزه‌های رژیم صهیونیستی در منطقه آسیای مرکزی

«دکترین پیرامون»، که به «دکترین بن گوریون» مشهور شد، توسط «بن گوریون» و «ایاهو ساسون» مطرح شد و بر این پایه است که اسرائیل بایستی با ممالک غیر عرب نزدیک به منطقه روابط محکم و دوستانه برقرار کرده تا در مقابله با خطر اعراب، موازنه قدرت حاصل آید. دیوید بن گورین به عنوان یکی از بنیان‌رژیم صهیونیستی که خود اولین نخست‌وزیر آن لقب گرفته است از همان روزهای اول تأسیس این رژیم سیاست اتحاد پیرامونی را پیش کشید.

سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه آسیای مرکزی در راستای «دکترین بن گورین»، با اهداف و انگیزه‌های ذیل صورت می‌گیرد: پیشروی این رژیم در زمینه‌های مختلف در کشورهای آسیای مرکزی تا حدود زیادی ناشی از این واقعیت است که اسرائیل این کشورها را قانع کرده است که راه رسیدن به کمک‌های غرب از تل آویو می‌گذرد. این جمهوری‌ها نیز هرچند موافق سیاست‌های اسرائیل نیستند، اما همکاری با اسرائیل را پذیرفته‌اند تا از این طریق به کمک‌های مالی، اقتصادی و فنی غرب دست یابند. لذا از آنجا که بسیاری از سیاست‌های جهانی و نیز برخی تحرکات ضد ایرانی در کنار مرزها به نوعی متأثر از رژیم صهیونیستی است، لذا پرداختن به موضوع رژیم صهیونیستی و بررسی وجوه و ابعاد و چگونگی ارتباطات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی آن با کشورهای همسایه ایران از اهمیت بالایی برخوردار است.

بنیان‌های فکری و مالی عربستان سعودی

در حالی‌که بسیاری از تحلیلگران و مقامات منطقه بر نقش پیدا و پنهان عربستان سعودی در حمایت فکری و مالی گروه‌های مختلف سلفی در منطقه آسیای مرکزی واقفند، لیکن هر از چند گاهی سند و یا شاهدهی دال بر این پشتیبانی‌ها ظاهر می‌شود. برای مثال اخیراً در سایت ویکی‌لیکس نامه‌ای از وزارت خارجه عربستان سعودی مربوط به سال 1390 شمسی منتشر شد که در آن به صراحت بر لزوم سرمایه‌گذاری در مراکز اسلامی و جذب مبلغان مذهبی و همچنین انتشار کتب و مجلات و ایجاد مراکز فرهنگی عربستان با هدف

مقابله با نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأکید شده بود.

سیاست عربستان در آسیای مرکزی را می‌توان در دو چارچوب اقتصادی و فرهنگی تقسیم‌بندی کرد. سیاستی که بخشی از راهبرد کلان ریاض برای رساندن خویش از یک قدرت درجه دوم منطقه‌ای به یک کنشگر درجه اول محسوب می‌شود و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، هدف محوری آن معطوف به مهار رقبای منطقه‌ای به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است که در جهت تحقق این هدف، سعودی تبدیل به پشتیبان مالی طرح‌های غربی-عبری در منطقه شده است. این رویکرد عربستان توانسته تاجیکستان و قرقیزستان را که ضعیف‌ترین اقتصادهای آسیای مرکزی هستند را تا حدودی با خود همراه نماید.

عربستان حامی مالی طرح راه ابریشم جدید آمریکایی است و به‌همین منظور از اتصال آسیای مرکزی به بنادر پاکستان حمایت می‌کند. همچنین برای نفوذ مذهبی و فرهنگی نیز بنا بر اسناد منتشر شده در پی جذب مبلغان مذهبی و نفوذ در دانشگاه‌های اسلامی و مراکز آموزشی منطقه و همچنین ارائه کمک‌های مالی به اتباع آسیای مرکزی است که در موسسات آموزشی این کشور و پاکستان آموزه‌های سلفیه را فرا می‌گیرند. سیاستی که زمینه‌ساز فروافتادن منطقه در گرداب افراط‌گرایی است.

روبارویی آشکار بین علمای سنی حنفی‌مذهب در منطقه با مبلغان سلفی از سال 2000 با افزایش تحرکات مبلغان سلفی آموزش‌دیده در دانشگاه فیصل پاکستان که توسط موسسات خیریه عربستان سعودی تغذیه می‌شدند؛ آغاز شد. هر پنج کشور آسیای مرکزی فعالیت مبلغان این فرقه را ممنوع اعلام کرده و گرایش‌های سلفی را جرم اعلام کرده‌اند. با این وجود نحوه برخورد هر یک از آن‌ها و همچنین نوع تهدیدی که در این زمینه وجود دارد برای هر یک متفاوت است. تاجیکستان تا زمان فعالیت حزب نهضت اسلامی با وجود ممنوعیت قانونی فعالیت سلفی‌ها، سرکردگان آن‌ها را آزاد گذارد تا با انتشار مقالات و ایراد سخنرانی حزب میانه‌روی نهضت اسلامی را آماج حملات و اتهامات قرار دهند و در تخطئه و تخریب این حزب مخالف دولت تاجیکستان به ایفای نقش موثر در چارچوب اهداف این دولت بپردازند. اما در دیگر کشورها نوع گروه‌های افراطی و گرایش‌ها و نحوه رفتار آن‌ها تعیین‌کننده اقدامات حکومت‌ها بود. در قزاقستان جندالخلیفه که عمدتاً توسط امارت قفقاز حمایت می‌شد، حضور داشت و همزمان با فعالیت این گروه در سوریه، شماری از اعضای این گروه نیز در صفوف داعش روانه سوریه شدند. در ازبکستان حرکت اسلامی ازبکستان و در قرقیزستان حزب‌التحریر کنشگران شاخص میدان سلفی‌گری افراطی هستند که با توجه به تفاوت شیوه عملکرد آنها در هر یک از این کشورها و نگرش دولتهای مزبور، رفتار متفاوتی با هر یک از آنها صورت گرفته است.

الگوی حاکم بر مناسبات رسمی ریاض و کشورهای آسیای مرکزی، بالاخص دو کشور ضعیف از لحاظ اقتصادی، یعنی قرقیزستان و تاجیکستان است. مناسباتی که در وجه پنهان و غیررسمی ابعاد دیگری نظیر حمایت سعودی از اشاعه وهابیت در منطقه و تحدید نفوذ فرهنگی ایران و یا همکاری‌های امنیتی طرفین را در بر می‌گیرد و بخش عمده‌ای از تهدید آن متوجه جمهوری اسلامی ایران است. به عنوان مثال چند ماه پیش «سعیدمراد فتاح‌اف» مشاور رئیس‌جمهور تاجیکستان اعلام کرد، به دلیل اینکه مذهب رسمی یکی از کشورهای مهم اسلامی (عربستان) سلفیت است؛ پس نمی‌توان با پیروان آن در تاجیکستان برخورد کرد.

جمع بندی

هرچند حضور اتباع آسیای مرکزی در ترکیب داعش و فعالیت در مناطق شمالی افغانستان می‌تواند اهداف ژئوپلیتیکی آمریکا را در آسیای مرکزی و قفقاز در مجاورت مرزهای جنوبی روسیه و شمالی جمهوری اسلامی ایران بویژه از طریق دهلیز افغانستان فراهم کند، لیکن مبارزه با گروه‌های اسلام‌گرای واقعی و معتدل و تقویت و ایجاد گروه‌های تندرو و جریان‌ات سلفی‌گری؛ ممکن است که در کوتاه مدت منافع برخی از کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای را تأمین کند؛ اما بی شک در بلندمدت همچنان که در برخی کشورها از جمله افغانستان و سوریه شاهد آن هستیم، تبدیل به معضلی خواهد شد، که حتی بنیانگذاران و حامیان آن هم نخواهند توانست، این جریان‌ات خطرناک ضدبشری را کنترل کنند و در نهایت نیز این جریان‌ات افراطی، امنیت منطقه و نظام بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار خواهند داد.

طبق برخی برآوردها حدود پنج الی هفت هزار نفر از روسیه و آسیای مرکزی به داعش و گروه‌های مشابه آن پیوسته اند، برخی از برجسته‌ترین شبه‌نظامیان آن‌ها، از آسیای مرکزی و قفقاز هستند. در این میان پایان جنگ در سوریه و یا شکست داعش در سوریه و عراق موجب خواهد شد جنگجویان مذکور برای بازگشت مجدد به مناطق و کشورهای خود اقدام کنند که چه بسا مهم‌ترین مسیر افغانستان خواهد بود. با این شرایط، جبهه جدیدی به نام آسیای مرکزی برای داعش باز می‌شود. در این میان با توجه به ضعف مرز ترکمنستان با افغانستان این مرز مورد توجه اعضای داعش برای بازگشت خواهد بود. همچنان که اکنون نیز برخی ترکمن‌ها در صف طالبان افغانستان و پاکستان و همچنین در صف داعش می‌جنگند و در واقع ترکمن‌های ساکن استان‌های فاریاب، بادغیس و جوزجان عضو داعش می‌توانند نوعی تهدید باشند. حال با توجه به گستردگی مرزهای ترکمنستان با ایران (۹۹۲ کیلومتر) و افغانستان با کشورمان (۹۳۶ کیلومتر) عنایت خاصی را طلب می‌کند.

بویژه که اخیراً داعش در فتوای جدید خود «ربودن فرزندان غیرمسلمانان مجاز است» را منتشر کرده است و از حامیان خود خواسته تا اموال غیرمسلمانان را سرقت کرده و کودکان آنها را بربایند. هر چند که ربودن کودکان قبلاً نیز از تاکتیک‌های داعش بوده است، لیکن علنی کردن آن بیانگر آن است که داعش و تمامی گروه‌های افراطی و وهابی-سلفی در صورت احساس خطر از نظر نیرو و همچنین مالی متوحش‌تر از گذشته خودنمایی خواهند کرد.

آنچه مسلم است اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره عامل ثبات در منطقه پیرامونی خود بوده و هست. لیکن چشم‌پوشی این موضوع از سوی برخی کشورها بویژه در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز بی شک باعث جولان جریان‌های تکفیری سلفی خواهد شد که لاجرم ناامنی را برای منطقه به همراه خواهد داشت. موقعیت آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان حیاط خلوت روسیه و مهم‌تر از آن هم مرز بودن با جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا و متحدینش همواره مورد تهدید قرار داشته و خواهد داشت. از این رو جریان‌های افراط‌گرایانه یکی از اهرم‌های زور آزمایشی محور غربی-عربی-عبری علیه سه ضلع مسکو-تهران پکن خواهد بود.

مردم نمی‌توانند خشونت، توحش و قساوت شبه نظامیان داعش را نادیده بگیرند. به همین خاطر مسلمانان محبوبیت ایده‌های داعش پایین خواهد آمد. اما ممکن است که یک گروه رادیکال دیگر قدرت بگیرد که قدرت‌پذیرش و جذب بیشتری خواهد داشت، لذا «زمان» فاکتور مهمی است که دولتمردان منطقه نباید آن را از دست بدهند. از این رو برای

تحلیل شرایط پیچیده منطقه بیش از رصد اقدامات تروریست‌ها، ضروری است به سازندگان آنها و تحرکات کنشگران خارجی و راهبرد کلان آنها در منطقه توجه داشت. هشدار رهبر معظم انقلاب درباره خطر گروه‌های تروریست‌ها و جنایات آنها در منطقه، در دیدار رئیس‌جمهور روسیه با ایشان در سال 94 که حاوی نکات راهبردی بسیاری در حوزه دیپلماسی و راهبردهای منطقه‌ای بود، از این منظر قابل ارزیابی است.

نویسنده: فرشته مقدم